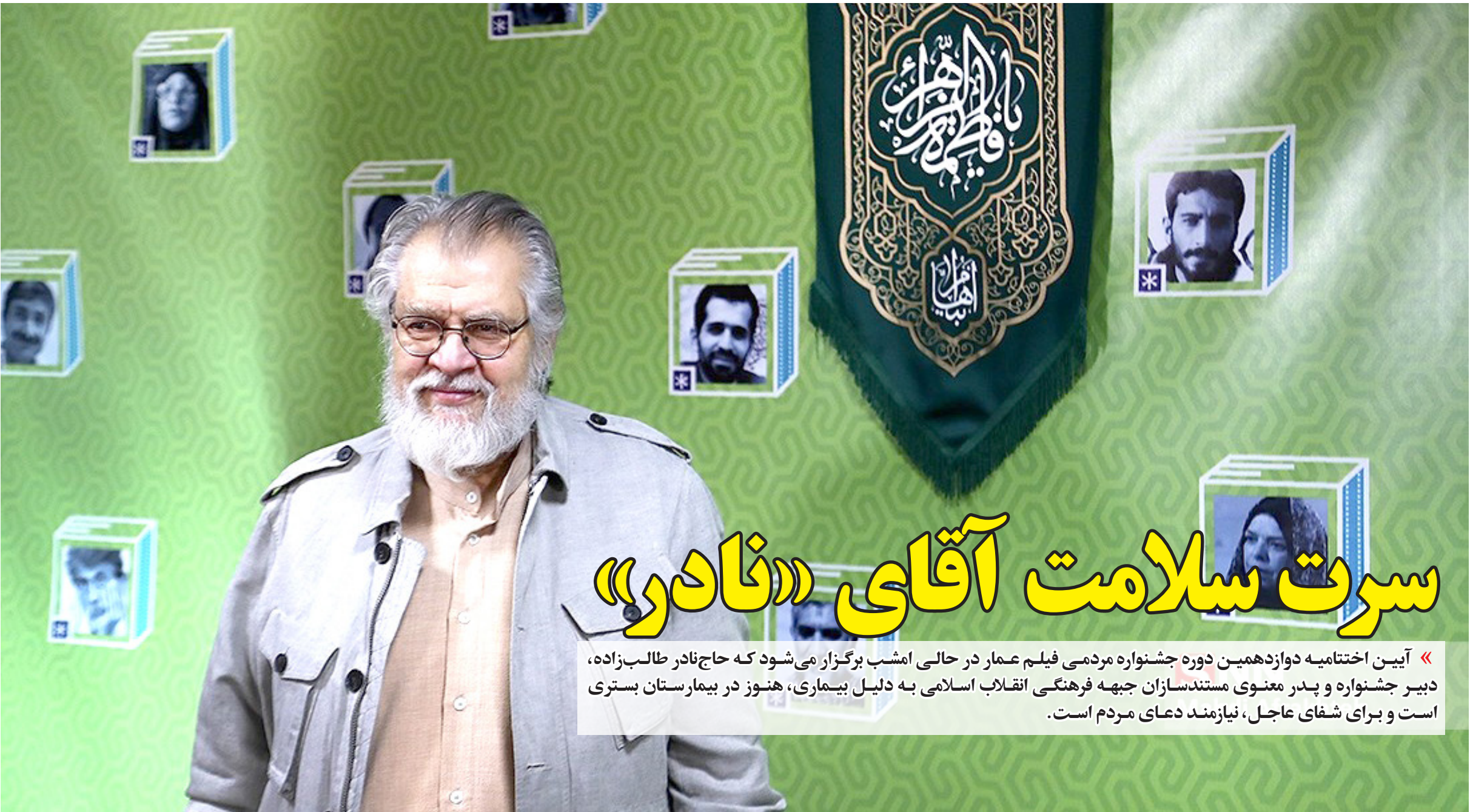




- ۱ سینمای امروز ما کارگردان محور است
- ۲ وقتی چشم بیشتر از دهان غذا می خورد
- ۳ فرزند عراق، رزمنده ایران
- ۴ سینما در دل مردم
- ۵ اعلام نامزدهای بخش مسابقه مستند و داستانی دوازدهمین جشنواره عمار



« آیین اختتامیه دوازدهمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار در حالی امشب برگزار می شود که حاج نادر طالب زاده، دبیر جشنواره و پدر معنوی مستندسازان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به دلیل بیماری، هنوز در بیمارستان بستری است و برای شفای عاجل، نیازمند دعای مردم است.

پشتکار باشد، موفقیت حتمی است!

فرآیندرویا سازی



نشست کارخانه رویا سازی انیمیشن پیشرفت و رویای نسل جوان در بخش جنبی دوازدهمین جشنواره فیلم عمار برگزار شد. در این نشست محسن عنایتی، نویسنده و کارگردان انیمیشن بنیامین و جواد جنتی یکی از اعضای تیم سازنده فیلشاه و شاهزاده روم حضور داشتند. در ادامه بخشی از سخنان عنایتی را در خصوص نقش انیمیشن در ایجاد رویاپردازی در ذهن می خوانید.

انیمیشن، دنیایی دور از دسترس
در سیمای ژال، خیال پردازی های فانتزی دور از دسترس است. ما در انیمیشن دستانم خیلی باز است و می توانیم دنیاهای غیرممکن را خلق کنیم. در انیمشن کاراکترها می توانند غیر انسان یا حتی اشیاء باشند، چیزی که در فضای ژال امکان پذیر نیست. در حال حاضر انیمیشن به مرحله ای رسیده است که آینده ی خیلی گسترده و عجیب و غریبی را پیش رو دارد.

تلاش راز اصلی

راه سخت است هر چند که الان به نسبت قبل کمتر شده است، به خصوص برای شهرستانی ها. چرا که تا قبل، امکانات آموزش از راه دور فراهم نبود و اگر می خواستیم از محضر اساتید استفاده کنیم باید یکی مثل من که در کاشان بودم برای استفاده از کلاس هشت ساعت مسیر رفت و برگشت را طی می کردم. به همین دلیل است که سهم غالب این

تسلط بر تکنیک

حرف شهید آوینی در کتاب آیینہ جادو این است که که اول به تکنیک مسلط شوید بعد حرفتان را برنیزد. باید اول با پدیده سینما چیست مواجه شویم بعد برویم سراغ خرق عادت. برای همین است که ژاين می آید فرهنگ خودش را تبلیغ می کند. سالاها است دارند کار می کنند و هزاران نفر طراحی کرده اند تا به یک سبک رسیده اند.

انگیزه و تربیت

از نظر من اولین زیرساخت انگیزه است. متأسفانه بچه حزب اللهی ها خیلی تیل هستند. جشنواره عمار خودش مولود انقلاب امام خمینی (ره) است ولی امام وقتی انقلاب کرد چه داشت؟ در آن زمان امام به این فکر نمی کرد که برای انقلاب کردن باید جشنواره داشته باشیم. آدم تربیت کرده بود و همان آدم ها خودشان سپاه و حوزه هنری تشکیل دادند. ما باید آدم را تربیت کنیم، خودش راهش را پیدا می کند. علاج کار این است که حزب اللهی ها دست از تنبلی بردارند. سال ها باید کار کنند و بداند سینما منبر نیست و اقتضات خاص خود را دارد. باید به خودشان سخت بگیرند. علی الخصوص در دولت هایی که به آن ها پر و بال می دهند. چون غالباً در این دولت ها حزب اللهی ها تیل می شوند و همین باعث می شود رشد نکنند. تلاش، رکن اصلی این کار است و سهم استعداد و هوش تنها پنج درصد است که اگر نباشد هم مهم نیست.

دنیای جدید انیمیشن

جواد جنتی از اعضای تیم سازنده «فیلشاه» و «شاهزاده روم» در همین خصوص ادامه داد: مخاطب به دیدن سینما و خواندن رمان علاقه دارد چون دنیای جدیدی برایش باز می کند. در انیمیشن هم یک فضای فانتزی وجود دارد که برای آدم لذت بخش است. چرا که شرایط به خصوص راد آنجا می توان تجربه کرد که در دنیای واقعی امکان تجربه ی آن وجود ندارد. آن فضایی است که حتی در سینما هم نمی توان آن را تجربه کرد.

فرآیند رویا سازی

سینما یک تفریح جمعی است بنابراین اگر قصد ارائه محتوا باشد باید در قالب تفریح گنجانده شود. وقتی مخاطب از اثری استقبال نکند نمی توان گفت که انتقال حرف در خلال لحظات مفرح به درستی انجام شده است. اگر مخاطب کار را پذیرفت یعنی فرآیند رویا سازی محقق شده است اگر نه یعنی محصول ارائه شده دیگر رویا نیست.

گزارش

به گزارش عمارفیلم، سید محمود رضوی، تهیه کننده سینما در کارگاه آموزشی «تهیه کنندگی» در حاشیه اکران های مرکزی دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در سینما فلسطین در سخنانی خطاب به حاضران گفت: هدف اصلی من این است که بتوانیم به شناختی از یک تهیه کننده خوب برسیم.

وی با طرح سوال درباره اینکه «تهیه کننده کیست» و «آیا اگر از تهیه کننده پول بگیرند باز هم می تواند تهیه کننده بماند و کار را بسازد؟»، اظهار داشت: ما از تهیه کننده مطلوب حرف می زنیم. من به شخصه یک یا دو فیلم، آن هم فیلم های اولیه به طور کامل تهیه کردم، بقیه فیلم هایم را جذب سرمایه انجام دادم. برای ماقبل از پول، ایده ومولف بودن مهم است.

رضوی ادامه داد: روزی که من اولین کارم را در سال ۱۳۸۷ ساختم، فکر می کردم تهیه کننده یعنی پدر. و پدر پروژه باید برای فرزندی که متولد می شود. هم پدری کند، هم بزرگتری کند. هم پول تو جیبی دهد، هم مدرسه و آینده اش را برایش انتخاب کند و وقتی که به سن آینده و بلوغش رسید و دامادش کرد آن وقت می تواند آن را رها کند. اما امروز می گویم تهیه کننده در مقام پدر هم خوب است اما فقط برای شروع خوب است اما آنچه درباره تهیه کننده مولف بودن گفته شد، در این مورد، دیگر این پدر بودن به درد نمی خورد.

این تهیه کننده سینما ادامه داد: وقتی امروز ببرسیم تهیه کننده مطلوب چه کسی می تواند باشد خالق، صانع، مولف هم می تواند در تعریفش جای بگیرد. گاهی پدر و مادر نمی توانند تشخیص دهند ولی خالق به مسائل آشناست و مسیر رشد را فراهم می کند.

رضوی اظهار داشت: تهیه کننده خالق، پنهانر می بیند و می گوید یک میلیارد ضرر کنم بهتر از چند میلیارد هو شنیدن است. اما برای تهیه کننده در مقام پدر خیلی سخت است، برای تهیه کننده ای که به اثرش دل بسته، نمی تواند در مواردی، خطا و اشتباهی را که رخ می دهد تشخیص دهد یا از آن می گذرد چون همه مراحلش را انجام داده. تهیه کننده خوب از نظر من وقتی است که یک انسان در مقام خالق قرار بگیرد. سینمای امروز، کارگردان محور است. اما آیا در سینما، تهیه کننده مطلوب وجود ندارد؟ چرا، وجود دارد.

وی تصریح کرد: خالق باید تشخیص دهد یک محصول که قرار است ساخته شود با ترکیب چه عناصر و عواملی موفق می شود. حتی ممکن است موفق نباشد بلکه برانید کلی کار موفق

سینمای امروز ما کارگردان محور است



شود. این خالق لزوما خدا نیست اشتباه نگیرید، مدیر کارخانه، مدیر صنعت است. مدیر صنعت بر اساس یک سری فرمول مهندسی برای یک اثر به یک ذهنیت می رسد و تهیه کننده با فرمول های تجربه انسانی به آن نتیجه می رسد.

تهیه کننده فیلم لاتاری ادامه داد: به نظر من هم پول تو جیبی دهد، هم مدرسه و آینده اش را برایش انتخاب کند و وقتی که به سن آینده و بلوغش رسید و دامادش کرد آن وقت می تواند آن را رها کند. اما امروز می گویم تهیه کننده در مقام پدر هم خوب است اما فقط برای شروع خوب است اما آنچه درباره تهیه کننده مولف بودن گفته شد، در این مورد، دیگر این پدر بودن به درد نمی خورد. کار و نظارتی خاصی پول می گیرند و پروانه سات و نمایش می گیرند. در قرارداد هم ذکر می کنند هیچ مساله حقوقی را متوجه آنها نیست. تهیه کنندگانی هستند که وقتی فیلم نامه ای داده می شود می گویند من هستم، شاید اینها در مقام پدر باشند و از ابتدا تا پایان پروژه حضور دارند. وی در ادامه توضیحاتش گفت: در یک نوع دیگر نهاد و حکومت به تهیه کننده مراجعه می کند و می گوید برابمان مدیریت پروژه کن. تهیه کننده برآورد هزینه می کند بنا به انصاف خودش مثلاً ۱۰ یا ۲۰ درصد تعیین می کند و مدیر پروژه می شود. این مدل تهیه کنندگی، سود در تولید است و خیلی اتفاقات ناگوار هم در همین مدل می افتد. چون آن نهاد، این اثر برایش صرفاً نوعی گزارش عملکرد است که بگوید من فلان اثر را

ساخته ام. مثلاً روی فلان مساله محوری نظام کار کرده ام. حال کار بد شده یا نشده، نه نهاد بر ایش مهم است نه تهیه کننده. و این نوع آثار جشنواره و اکران و حتی تا رساندن تا تلویزیون که تهیه کننده ها آقای منوچهر محمدی است.

رضوی بیان داشت. من به کار اولی ها پیشنهاد می کنم یک مشاور داشته باشند، چون ممکن است مشاور، بیشتر ایده را دستکاری کند و تهیه کننده را دچار سردرگمی کند. اما من در آخرین اثرم «رد خون»، بخش های مختلف ۱۷ مشاور داشتم. تعدادی از آنها عوامل را می شناختند تعدادی دیگر را نمی شناختند. وی با تأیید این مسئله که مشکل سینمای ایران، در وهله اول فیلم نامه و بعد تهیه کنندگی است، تصریح کرد: مهم ترین مشکل شخص من، دخالت نهادهای حاکمیتی در تولید است و بابتش هم از سینما خدا حافظی کردم. آنها به جای اینکه کمک کنند بیشتر مزاحمت. ببینید مثال بزمن مادر فیلم «رد خون» از یک نهاد نظامی برای ادوات نظامی کمک می خواستم که این ادوات هم در نهاد

گزارش

دیگری موجود نبود، از آنها کمک خواستیم و آنها گفتند ما کجای فیلم نامه شما هستیم. ما جواب دادیم در این دو سکانس فلان آدم مهم شما که اسطوره شماست، حضور دارد. اینها گفتند باید کل فیلم نامه را بخوانیم و از روزی که فیلم نامه را دادیم تا روزی که اوکی دادند ۴۵ روز طول کشید.

به زبان خوش هم اوکی ندادند. این تهیه کننده سینما افزود: ما باید بالا و پایین آن نهاد نظامی را می فتمیم که اوکی دهند که آقا این حداقلی، تأثیر حداکثری دارد و اینها متر می کردند می گفتند چرا ما در این سکانس نیستیم برای آن سکانس برای ما نقش بنویسید، حتی برای ما پنج صفحه دیالوگ برای کسی که در یک پلان گذری می بینیم ولی می فهمیم نقشش چه هست نوشته بودند و گفتند منوط به این است. ما

گفتیم کاری نکنید و اینقدر حالمان را بد نکنید که ما مجبور شویم این نقش را هم در فیلم نگذاریم. در حقیقت اینها تعریف درستی از خوب و بد ندارند، سکانس ی تشخیص می دهند.

رضوی خاطرنشان کرد: امر حیاتی که در تهیه کنندگی باید در نظر گرفت این است که تهیه کننده خودش به موضوع اثر اشراف داشته باشد مثلاً در مورد اعتیاد خوانده باشد و هم با مشاورانش یا به پا رفته باشد. دومین مورد و یکی از نکات نقاط وفوت کوزه گری تهیه کنندگی بحث بودجه است باید تهیه کننده تشخیص دهد که برای موضوع چقدر باید بودجه جذب کند و کجا خرج کند. سوم بحث پیش تولید است. مثلاً باید برای کار ۶۰ روزه، ۶۰ روز پیش تولید کنیم اگر همه عوامل و مشکلات را در بیابوریم این ۶۰ روز می تواند پول خورا در ۱۰ روز تولید درآورد. پیش تولید جایی است که تهیه کننده باید هنر خود را نشان دهد. اصل کار، برنامه ریزی و دیدن جزئیات است ما برای «ماجرای نمبروز ۲» هفت ماه پیش تولید داشتیم.

این تهیه کننده در پاسخ به این سوال که علت بحث کنار گذاشتن تهیه کنندگی از جانب شما چه بود، گفت: عوامل متعددی داشت. خدا حفظ کند آقای میرباقری بعد از سیانور به من توضیحی درباره فیلم سازی دادند. گفتند در این فیلم در سکانس به سکانس امضای تو مشاهده می شود این فضا را به فضای دیگر نفروش. ماجرای نمبروز ۱ و ۲ و لاتاری یک مسیر بود. مسیرهای مختلف داشت؛ ریسک مالی اعتباری و آبرویی و حتی جانی داشت. یعنی فکر نکنید ریسک جانی نداشته باشیم. وقتی یک جاهایی برخی نهادهای حاکمیتی، جلوی آدم می ایستند نه تنها کمکی نمی کنند بلکه سه راه هم می شوند حتی در جشنواره و اکران. در این حالت، آدم احساس می کند حضور زیادی است.

فرزند عراق، رزمنده ایران



« به رنگ مریم » روایت مجاهدتهای باتو سیده‌مریم‌زین‌العابدین در زمان شیوخ وپرویس کرونا است که به کارگردانی حمیداکبرپور ساخته شده‌است. در ادامه، گفت‌وگو با این کارگردان را می‌خوانید:

کمیل سوهانی از مستند «انسان گرسنه» می‌گوید

وقتی چشم بیشتر از دهان غذا می خورد



مستند «انسان گرسنه» روایتگر تاریخ فرهنگی و اجتماعی «غذا» است. نام این فیلم یعنی «انسان گرسنه» پاسخ به این پرسش است که «چرا انسان هنوز گرسنه‌است، با اینکه بیش از هر زمان دیگری در تاریخ، حیوانات را برای رفع گرسنگی خود می‌کشد و بیش از هر زمان دیگری از منابع زمین برای تولید مواد غذایی استفاده می‌کند؟» کارگردان این مستند کمیل سوهانی متولد سال ۱۳۶۰، دارای تحصیلات کارشناسی ارشد رسانه و دکتری کارآفرینی است.

« مساله انسان گرسنه چیست؟ محیط زیست، فرهنگ غذایی یا حقوق حیوانات؟

مساله «انسان گرسنه» لزوم نگاه به غذا به عنوان یک امر فرهنگی و اجتماعی است. نگاه به غذا ورا ی یک منبع انرژی صرف. این مستند روایتگر تاریخ فلسفی اجتماعی غذا است و تلاش می‌کند که نگاه انسان به غذا در طول تاریخ و تغییرات

معرفی فیلم‌ها



اباشه با اوج گرفتن کرونا در کشور، گروهی از جهادگران تصمیم می‌گیرند برای کمک به کادر درمان، وارد بیمارستان‌ها شوند. در مدت کوتاهی، قرارگاه جهادگران سلامت حضرت نجس خاتون را راه‌اندازی می‌کنند. افراد زیادی در سنین مختلف، از اقشار مختلف، با ظاهری متفاوت، با آرزوهای گوناگون و... برای کمک در این قرارگاه ثبت نام می‌کنند. آن‌ها موفق می‌شوند اعزام بالغ بر هزار جهادگر به بیمارستان‌ها را به سرانجام برسانند. تهیه‌کننده: صدرا عبداللشکاری کارگردان: میثم جهان‌بین

« ایده ساخت این مستند از کجا آمد؟

با شروع ویروس کرونا، شبکه‌های بیگانه فارسی‌زبان روی همین مسئله زوم کردند و هدفشان این بود که ایران را ضعیف جلوه دهند. ولی در واقعیت همه مردم، گروه‌های جهادی و پزشک‌ها پای کار آمده بودند. این دقیقا نقطه مقابل چیزی بود که شبکه‌های مزدور فراقکنی می‌کردند. ما از همان شبکه‌های ماهواره‌ای شروع کردیم تا به بطن زندگی واقعی مردم رسیدیم. در این مستند فردی را به تصویر کشاندم که با وجود حوادثی که برایش رخ داده بود به جای این که مغمو و گوشه گیر باشد وسط میدان و در حال مبارزه است.

« از نحوه آشنایتان با سوژه این مستند بگویید.

یکی از دوستان ما که لرستان بود خانم زین العابدین را می‌شناخت و همکار بودند. ماجرای زندگی ایشان از این قرار بود که پدر ایشان ذاتاً اهل عراق و عضو حزب انقلابی عراق است. چند نفر از اعضای این خانواده هم در زمان حزب بعث به دلیل دفاع از امام و انقلاب به شهادت رسیده‌اند و کار از این جهت یک سوژه بین المللی است. همسر ایشان در جنگ با داعش به شهادت رسیده است. حالا ماجرای جذابی که وجود دارد این است که خانم زین‌العابدین با وجود این حوادث تلخ و دو فرزندگی که به هرحال در خطر دیگری با ویروس کرونا بودند باز هم با یک روحیه و انگیزه مضاعف به فعالیت‌هایشان ادامه دادند. نهایتاً با خانم افراسیابی که تهیه‌کننده کار هستند صحبت کردیم و قرار شد مستند کار شود.

« به نظر می‌آید کرونا یک زمینه و بهانه‌ای بوده است تا شما این خانواده ویژه را روایت کنید. خودتان این گزاره را قبول دارید؟

پدر خانم زین‌العابدین یک جمله عربی به معنای « انسان‌ها در سختی شناخته می‌شوند.» را همیشه می‌گویند. وضعیت دشوار کرونا هم همین‌طور بود. خانم زین العابدین می‌تواند در هر نقطه‌ای از دنیا برود و زندگیش را ادامه دهد. اما از خانواده فاصله گرفته و در همان جایی که هست به مردم خدمت می‌کند. خودش هم در این مستند بیان کردند که: « برای من هزینه شده است که یک روزی به درد بخورم. نه این‌که فکر کنم.» این خانواده واقعا روحیه خودشان را از زمان حزب الدعوه عراق حفظ کرده‌اند.

آن از گذشته‌های دور تا سال‌های اخیر را به تصویر بکشد. پدیده‌ای به نام «غذا» در طول تاریخ فقط یک جنبه انرژی‌بخش و سیرکننده نداشته و همواره بخشی از فرهنگ جامعه را در بطن خود به همراه داشته است. به همین دلیل با بررسی این پدیده می‌توان هم تاثیر فرهنگی را بررسی و هم ریشه‌های تاثیرگذاری آن در فرهنگ مردم را مشاهده کرد. علاوه بر این، بسیاری از جنگ‌ها به بهانه غذا آغاز شده و سرنوشت آن جنگ را هم غذا تعیین کرده است. بنابراین با مقوله‌ای مهم‌تر از تامین‌کننده انرژی مواجهیم.

« چه دغدغهای شما را به سمت این موضوع کشاند؟

معتمد بعضی مسائل اطراف ما در عین اهمیتی که دارند اما در میان روزمرگی‌ها دیده نمی‌شوند و کم کم به امور معمولی و بی اهمیت تبدیل می‌شوند. غذا یکی از این مسائل است. مساله‌ای که جایگاه بسیار مهمی در زندگی ما دارد اما به اندازه اهمیتی که دارد مورد توجه قرار نمی‌گیرد. هدف من از ساخت این مستند و رفتن به سمت این موضوع این بود که این مساله مهم اما مورد غفلت قرار گرفته را برای مخاطب برجسته کنم.

« امیدوار هستيد که مساله انسان گرسنه به دغدغه مردم یا حتی مسئولین ارشد تبدیل شود؟

قاعدتا هر مستندسازی به امید تاثیرگذاری به سراغ موضوع و مساله‌ای می‌رود. اما اینکه توقع داشته باشیم یک مستند بتواند به سرعت در سطح سیاست‌گذاری تغییراتی ایجاد کند به نظرم صحیح نیست. مستند در درجه اول باید ذهن‌های مخاطبین را با مساله درگیر کرده و بعد از این درگیری باید بتواند به دنبال خود، بحث وگفت‌وگو ایجاد کند. اگر بحث و گفت‌وگوراجع به موضوع مستند شکل گرفت می‌توان امیدوار بود که آن بحث‌ها به ارتقا آگاهی عمومی منجر شده و نهایتا در سطوح مختلف بتواند تاثیر خود را بگذارد. امیدوارم مستند انسان گرسنه هم در این مسیر موفق باشد.

« به نظر می‌آید در مستند از پدیده گیاه‌خواری رد شدید و سعی نکردید به محدودیت زمانی مستند بود یا دلیل دیگری داشت؟

این‌طور نیست. در این مستند به وضوح راه حل گیاه‌خواری صرف را به عنوان راه حل عبور از مشکلات نظام تغذیه جهانی رد شده است. پیام مستند این است که می‌توان گوشت‌خوار بود اما تعادل محیط زیست و طبیعت را بر هم نزد. در واقع مستند دعوت به تعادل می‌کند. اگر مصرف حساب شده، متعادل و دور از نظامات سود و سرمایه صرف باشد، نیازی به گیاه‌خواری نیست. اگر چنانچه همین گیاه‌خواری هم در چرخه سود، سرمایه و عدم تعادل قرار بگیرد آسیب زننده و مخرب خواهد بود.

« به نظرتان جنگی که در مستند از آن یاد کردید؛ انسان با خودش، زمین و حیوانات، راه رستگاری و نجاتی هست یا وضعیت از این بدتر می‌شود؟

همان‌طور که در مستند هم بیان شده است همه ما با انتخاب‌هایی که در قبال

گفت‌وگو

« ساخت مستند در محیطی که بیماران کرونایی در آن جا هستند چه سختی‌هایی برای شما به بار آورد؟

روزهای اول حتی کادر درمان هم از دیدن ما تعجب می‌کردند و برایشان سوال پیش می‌آمد. حتی یکی از اقوام نزدیک من که در یکی از بیمارستان‌های معروف تهران است به‌خاطر این ویروس از شغلش استعفا داد. ولی به هرحال برای رسیدن به سوژه خوب و به‌خصوص آن تعهدی که نسبت به دوربین و مردم وجود دارد، باید دل را به خطر زد. در روزهایی که بیمارستان بودیم اتفاقات جالبی هم پیش می‌آمد. مثلاً یک خبری آمد و بدون این‌که کسی او را بشناسد در کل بیمارستان آب‌میوه پخش کرد. وقتی مردم این‌طور پای کار هستند وظیفه خودم دانستم با دوربین وسط میدان بروم و نمایش این همه زیبایی را در زباله‌دان عالم پر از ظلم رقم بزنم.

« به هرحال برای رسیدن به سوژه خوب و به‌خصوص آن تعهدی که نسبت به دوربین و مردم وجود دارد، باید دل را به خطر زد. در روزهایی که بیمارستان بودیم اتفاقات جالبی هم پیش می‌آمد. مثلاً یک خبری آمد و بدون این‌که کسی او را بشناسد در کل بیمارستان آب‌میوه پخش کرد. وقتی مردم این‌طور پای کار هستند وظیفه خودم دانستم با دوربین وسط میدان بروم و نمایش این همه زیبایی را در زباله‌دان عالم پر از ظلم رقم بزنم.

گفت و گو

غذای خود و خانوادهٔ خود داریم می‌توانیم به سمت خروج از این وضعیت ناگوار نظام تولید و مصرف غذا در جهان تاثیر بگذاریم. مهم این است همانطور که قرآن هم از ما خواسته است نسبت به آنچه می‌خوریم، توجه عمیق داشته باشیم و با دقت در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، انتخاب‌های درستی داشته باشیم. یکی از راه‌های توجه به غذا، توجه به مبدا و چگونگی تولید آن است. اینکه غذایی که می‌خوریم از کجا آمده و طی چه فرآیندی تولید شده به ما کمک می‌کند تا دقیق‌تر انتخاب کنیم. این انتخاب‌های دقیق تولیدکننده‌ها و توزیع‌کننده‌های مواد غذایی را مجبور می‌کند تا آن‌ها هم در قبال چگونگی تولید و توزیع احساس مسئولیت داشته باشند و به سمتی حرکت کنند که کم‌ترین آسیب را برای محیط زیست و انسان در پی داشته باشند.

« معتقدم بعضی مسائل اطراف ما در عین اهمیتی که دارند اما در میان روزمرگی‌ها دیده نمی‌شوند و کم کم به امور معمولی و بی اهمیت تبدیل می‌شوند. غذا یکی از این مسائل است.

« مستند در درجه اول باید ذهن‌های مخاطبین را با مساله درگیر کرده و بعد از این درگیری باید بتواند به دنبال خود، بحث و گفت‌وگو ایجاد کند. اگر بحث و گفت‌وگوراجع به موضوع مستند شکل گرفت می‌توان امیدوار بود که آن بحث‌ها به ارتقا آگاهی عمومی منجر شده و نهایتا در سطوح مختلف بتواند تاثیر خود را بگذارد.

فرشته را سفید بکش خیرنگاری در صدد تهیه گزارش از آقای حسین‌پور، کسی که برای نجات یک خانم از دست دردها به قتل می‌رسد، می‌باشد. در همین حین برای اطلاع از وضعیت کرونا به بیمارستان‌ها می‌رود. در بیمارستان میلاد لاهیجان، جنب و جوش یک پرستار، توجه او را جلب می‌کند. نجس خانلی‌زاده، پرستار فداکاری است که در اوج کرونا بی‌وقفه کار می‌کند و با وجود خستگی‌های فراوان اما از پانمی‌شنیدن.اودر اسفندماه سال ۹۸ به عنوان اولین شهید مدافع سلامت، به شهادت می‌رسد. مادر، پدر، دوستان و آشنایان نجس از مهربانی‌ها و فداکاری‌هایش می‌گویند.



یادداشت

نگاهی به مستند به رنگ مریم

جهادخانوادگی

موزیک رعب‌آور شروع خبر از بحران می‌دهد. بحرانی به نام کرونا که جامعه ایرانی را در شوک و وحشت غطیم به سر برده است. بیمارستان‌ها آماده باش می‌خورند. آمبولانس‌ها در حال اعزام هستند و با جان باختن دو نفر در قم اوضاع به هم ریخته‌تر می‌شود. حال از اینجا با ورود دوربین به درون بیمارستان‌ها زبزدنت‌پیوشی مریم‌زین‌العابدین آشنا می‌شویم که از روزهای ابتدایی کرونا وضعیت بدن آن می‌گوید. مریم‌بین‌خانه و بیمارستان در رفت‌و آمد است و علاوه بر وظیفه پزشکی، وظیفه دیگری به نام مادری دارد که به گفته خودش از همین دوکار در زندگی راضی است. دوربین سراغ طلبه‌های جهادی می‌رود که مشغول گرفتن آب هویج برای بیمارستان هستند و سپس با طلبه جهادی که در بیمارستان خدمت می‌کند همراه می‌شود که قبلیش هم دانشجوی بوده است. یک پزشک اطفال هم به جمع سوژه‌های مستند افزوده می‌شود و کار با این سه نفر به صورت پراکنده پیش می‌رود. این پراکندگی ذهن مخاطب را به‌هم می‌ریزد که ربط این سه نفر به هم چیست؟!

مریم زین‌العابدین پس از بازی‌های مدام فکری که در منزل با پسر و دختر کوچکش می‌کند روایت زندگی خود را می‌گوید. متولد لبنان، حافظ قرآن، پدر روحانی و مادر معلم قرآن. مریم از سه سالگی همراه خانواده به ایران مهاجرت می‌کند و در قم ساکن می‌شود و از اینجای کار جذابیت قصه بیشتر می‌شود. دوربین خبر از دیداری خانوادگی می‌دهد که مریم، فرزنداناش، پدر، مادر و خواهرش در آن شرکت دارند و منتظر حضور چند نفر دیگر هستند. اولین نفر دکتر اطفال ابتدای فیلم است که مشخص می‌شود برادر بزرگ مریم است و نفر دوم طلبه جهادی که او هم برادر دوم مریم است که همه باهم عربی صحبت می‌کنند. جمع این خانواده که همگی به نوعی در قضاة کرونا مشغول فعالیت هستند جمع می‌شود. همین تعلیق بر جذابیت کار افزود و گره کار برای مخاطب باز کرد.

ادامه مستند با صحبت‌های پدر مریم که فقط عربی صحبت می‌کند و حرفهایش ریزنویس می‌شود پیش می‌رود. اما این عربی صحبت کردن از ریتم خوب مستند کاسته است و شاید هم خواسته لبنانی بودن‌شان را به وضوح نمایش دهد. کار که به نیمه سوم می‌رسد، فعالیت‌های جهادی هر یک از اعضای این خانواده لبنانی برای خدمت به مردم ایران مشخص می‌شود اما سوال اساسی که مدام در ذهن مخاطب زنگ می‌خورد این است که شوهر مریم کجاست؟! شوهری که تا الان جلوی دوربین نیامده و خبری از او نیست. سوالی که کارگردان در اواخر مستند به مخاطب پاسخ می‌دهد و او همانند ابتدای مستند در شوکی دیگر با چاشنی جریحه‌دار شدن احساسات روبرو می‌کند که باید مستند را دید تا حس و حال واقعی آن را درک کرد. مستند به رنگ مریم سوژه خیلی خوبی دارد که نویسنده آن را شکار کرده است. کشش داستان از اواسط مستند به بعد بیشتر می‌شود و بر خلاف پراکندگی نیمه اول است. می‌شد تصویربرداری و تدوین کار بهتر شود اما با همین احوال هم نمره قابل قبولی دارد.

یادداشت

نقدی بر مستند انسان گرسنه

غذاهای بی‌داستان

گاهی سوژه‌ها در مدیوم مستند، ناب و بکرند و اما اجرای این سوژه‌ی بکر، تکراری است؛ که در این حالت اصطلاحی با این مفهوم از جانب مخاطبان دربرای اثر نهایی بیان می‌شود: «مستندساز سوژه در حرام کرده است.» گاهی نیز سوژه تکراری است و بارها در حالات مختلف و در رسانه‌های مختلف بدان اشاره شده، اما اجرا جذاب و قابل اعتناست. در این حالت دوم، چیزی که اثر نهایی را ارزشمند می‌کند توان و تبحر مستندساز در بیان است. این مساله مختص به مستند و مستندسازی نیست و در همه‌ی شکل‌های هنری و رسانه‌های مختلف قابل مشاهده است. با این حال مستند «انسان گرسنه» سوژه‌ای زیانتر دارد که توسط مستندساز با ایده‌ای جدید همراه شده و اما اینکه اجرایی به شدت قابل توجه دارد، به دلیل تمین فیده و انگاری‌نو که بر سوژه‌ی اصلی مستند تریق شده است و با کمی دقت نظر، حتی نمی‌توان موضوع غذا در این مستند را نیز تکراری بودن خدشه‌دار کرد، چرا که موضوع کلی و فراگیر «غذا» در مستند «انسان گرسنه» با نگاهی تازه و به شیوه‌ی پژوهشی فیلمیک، بر موضوعی به شدت مشکافتنه و جزئی تاکید دارد: «عدم سیر شدن انسان با وجود رنجوری‌اش!»

مستند تنها بر معرفی، توصیف یا شرح تاریخ غذا اکتفا نمی‌کند. گرچه همین موارد کلی در اغلب مستندهای درجه چندم به عنوان پایه‌ی اصلی موضوع برگزیده می‌شوند. در مستند «انسان گرسنه» چنین رویکردی با تاکید بر نکاتی تازه ارائه می‌گردد. روایت، صرفا خود غذا و تاریخ مفصل آن نیست، بلکه انسان و چگونگی مواجهه او با این پدیده در قالب فرهنگ و تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دلیل وجود یک متغیر به نام انسان در کنار موضوع غذا، می‌توان دریافت‌گشایی فلسفی و اجتماعی را در مستند «انسان گرسنه» به روشنی مشاهده نمود. اینکه ترقی و رشد انسان در اعصار، چگونه سبب شده است تا غذا به عنوان یک نیاز در گذشته، هم اکنون به عنوان یک کالا در جهانی صنعتی و تکنولوژیک معرفی گردد. کالاوارگی غذا، عنوانی است تازه تا با فهم آن بپذیریم، انسان این قابلیت را نیز دارد که حتی از بدیهی‌ترین نیاز جسمی‌اش که در دل فرهنگ نشسته است، به عنوان ابزاری برای دیگر اهداف بهره‌برد. اینکه در عنوان مستند از کلمه «گرسنه» استفاده شده است، دقیقا کارکرد کالاوارگی غذا را اتوجه می‌کند و مستندساز با تاکید بر این کلمه و کلمه‌ی «انسان» بار معنایی را از سر موضوعی همچون خود «غذا» برمی‌دارد و بشر را در مرکز توجه قرار می‌دهد.

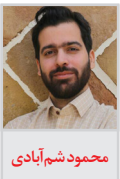
به همین دلیل یک مستند با سوژه‌ای ساده، مبدل به اثری با موضوعی جذاب و ارزشمند می‌گردد. غذا، علاوه بر بحث نیاز طبیعی، به دلیل تنوع و چگونگی تولید، دارا جنبه‌های فرهنگی نیز هست. مستند «انسان گرسنه» خلاء این فاز فرهنگی را در غذاهای مدرن با بیان فقدان «داستان غذا» شرح می‌دهد. پرداختن و اشاره بر داستان غذاها، بی‌شک یکی دیگر از نکات مثبت مستند در ایده‌پردازی است. این مساله سبب می‌شود تا مستند حاوی روایات فرعی جذابی باشد که خود دارای همبستگی موضوعی با درونمایه اصلی مستند است. به عبارتی این روایات فرعی در قالب داستان غذا و فقدان آن در خوراک انسان مدرن، دارای زمینه‌چینی و بهره‌برداری در مستند «انسان گرسنه» است که به خوبی و بدون حاشیه‌پردازی در دل روایت گنجاده شده است. مستندساز برای زمینه‌چینی، در پلان‌های آغازین، با اشاره بر وجود داشتن داستان برای «غذا» در گذشته، پایان مستند را تاثیرگذار می‌سازد. آنجایی که ما با کمین‌ها یا گروه‌هایی مواجهیم که سعی دارند با رساندن غذاهای بومی و سنتی با اکتاب ار امکانات دنیای مجازی به دست مصرف‌کننده‌ای مدرن، شرح داستان غذا را نیز در بسته‌بندی لحاظ کنند.

مستند «انسان گرسنه» آلودی پروپاگاندا ی تزیینی گیاه‌خواری یا گوشت‌خواری افراطی نمی‌شود. این خود نکته‌ای است که به واسطه‌ی آن می‌توان اصالت موضوعی مستند را درک نمود. در یک صحنه، پرداختن بر یک غذاخوری گیاهی این شبه را ایجاد می‌نماید که انگار مستند وارد فاز ی تازه در توصیف فولاید گیاه‌خواری شده است، اما این نیز روایتی فرعی است تا ایده اصلی مستند را جنبه‌های متفاوت پرداخت گردد. چرا که همان نقدی که بر مصرف افراطی گوشت در حال وجود دارد شامل رزق و برق و همین از گیاه‌خواران تا تولیدکننده‌ی غذای گیاهی نیز می‌شود. ریتم مستند با به پای موضوعش، جذاب است. ترکیب انواع شیوه‌های تولید و ارائه‌ی روایت از جمله: مصاحبه، آرشيو، گفتارمن، تصاویر زنده درراهی غذا، نگاه اسطوره‌ای به غذا، تصویرسازی و انیمیشن و حتی گفتگوی آنلاین با نویسنده و شاخصی در سرتاسر جهان، سبب شده است تا مخاطب با چنین تنوعی در بیان، همواره به پای موضوع بشنیدند و تا پایان، مستند را دنبال کند.

در ستایش حماسه و مبارزه

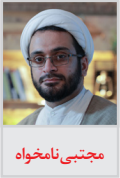


می‌گویند فلسفه از سوال‌های کوچک و بزرگ به وجود می‌آید. تا سوالی نباشد و تلاشی برای پاسخ به آن، جهان‌بینی به وجود نمی‌آید. چه نسبتی است بین جشنوارهٔ مردمی فیلم عمار و مسعود جعفری جوزانی؟ چرا باید در اختتامیهٔ دوازدهمین جشنواره، از مسعود جعفری جوزانی تقدیر کرد؟ نسبت جعفری جوزانی با هنر انقلاب چیست؟ پیش از پاسخ به هر پرسشی، به یک پرسش اساسی می‌رسیم که خود جوزانی در اولین و تنها مستندش بیان می‌کند. جوزانی روزهای انقلاب را در «مستند به سوی آزادی» به‌تصویر کشیده است. قسمتی از گفتارمن مستند با این جمله شروع می‌شود: «ما رژیم گذشته را سرزنش نمی‌کنیم به خاطر فیلم‌هایی که ساخت، بلکه سرزنش می‌کنیم به خاطر فیلم‌هایی که ناساخت!» جوزانی



محمود شمس‌آبرادی

جوان پر شور دههٔ ۵۰ سر پر سودایی داشت و می‌خواست فیلم‌هایی را بسازد که رژیم گذشته نساخته بود. شاید جهان‌بینی و فلسفهٔ فکری جوزانی هم از همین سوال شکل گرفت: رژیم شاه چه فیلم‌هایی را نساخته است؟! فلسفه اگر به مقام عمل در نیاید، فقط در حد یک نظریه‌پردازی می‌ماند. جوزانی به دنبال جوابی به پرسش خود برآمد. رژیم شاه چه فیلم‌هایی را نشان نداده بود؟ چرا باید جوزانی آن‌ها سرزنش می‌شد؟ جوزانی در اولین فیلم داستانی خود دست روی موضوع جنگ گذاشت: فیلم «با من حرف بزن» که در کانون پرورش فکری ساخت. البته نگاه جوزانی در این فیلم به‌شدت استعاری است، درست مثل فیلم‌های بعدی‌اش. او دوربینش را به جبهه نبرده اما جنگ را در خانه نشان می‌دهد. خانه‌ای که استعاره از ایران است. فیلمی که از جنگ حرف می‌زند، اما در ستایش امید است و مبارزه. مستند به سوی آزادی، فیلم کوتاه با من



مرتضی نامخواه

اجتماعی با دست‌کم سیاست‌گذاری متوجه ضرورت سیاست اجتماعی داریم و نه در کنشگری اجتماعی‌مان معطوف به امر اجتماعی هستیم. اما در جشنواره عمار ما با یک سلسله از مستندها یا شاید هم با یک ژانر مستند و یک گونه از روایت مواجهیم که به مثابه نوعی سازوکار اکتشافی، به ما کمک می‌کند امکان‌ها مان برای ایجاد امر اجتماعی را کشف کنیم و از طریق این اکتشاف‌ها به ابداع و سپس بازتولید امر اجتماعی بپردازیم. این گونه که در ادوار گوناگون و گذشته جشنواره عمار آثار متعددی از آن دیده‌ایم پرتنه‌هایی از آدم‌های معمولی هستند که به تعبیر دقیقی که در جشنواره به کار می‌رود، قهرمان هستند.

عمار بستر دیده‌شدن آثاری است که در آن مستندساز، موضوع مستند خود را ابژه نمی‌کند و نگاهی استعاری به آن ندارد. از سوی دیگر به دنبال تبلیغات و به تعبیری روایت وجوه ایدئولوژیک موضوع نیست. بیشتر به دنبال نوعی کشف است. به طور مشخص می‌توانم به دو مستند بانو و خیرالنساء اشاره کنم که این ویژگی را دارند. به همین خاطر توانسته‌اند امر قهرمانی را از خاص بودن خارج کنند و مفهوم قهرمانی را از مفهومی نخبگانی به یک مفهوم جمهوری تبدیل سازند.

برای توضیح بیشتر، مستند بانو که در روزهای اخیر روایت مکتوب آن تحت عنوان مادر ایران منتشر شد را مثال می‌زنم. من در اهواز، در همان محله‌ای بزرگ شدم که سوزه مستند بانو در آن زندگی می‌کند. نام خیابان ما به اسم شهید حاج اسماعیل فرجوانی یکی از دو فرزند شهید ایشان بود. در ابتدا، شهید اسماعیل فرجوانی برای من، لایذ مانند بسیاری دیگر از اهالی خیابان‌هایی که به نام یک شهیدند، فقط نام کوچی محل زندگی‌مان بود و هیچ آشنایی

معرفی کتاب جبهه فرهنگی



رسم جهاد

این کتاب روایت‌هایی از تجربه‌های کار جمعی در جهاد سازندگی به روایت حسینعلی عظیمی می‌باشد. این کتاب با نثری روان از ۱۱ فصل تشکیل شده است که مهم‌ترین آنها تشکیل ساختار، رابطه با مردم، دولتی شدن جهاد، کمیته فرهنگی و جهاد سازندگی در جنگ است. ساختار منطقه‌ای جهاد سازندگی، جهاد در استان‌ها، ساختار شورایی جهاد، رابطه جهاد با بقیه سازمان‌ها و اعتماد از دیگر سرفضل‌های این کتاب هستند.

نویسنده: علی مشایخی و محمدرضا حسینی
انتشارات: راه‌یار

سوال ما از سینمای امروز این است که چقدر ظرفیت‌های دراماتیک تاریخی و هویتی مثل جنبش تنباکو، نهضت مشروطه، دیکتاتوری رضاخانی، وقایعی مثل کشف حجاب، قیام مسجد گوهرشاد، نهضت ملی شدن نفت، قیام ۱۵ خرداد، انقلاب اسلامی و... به تصویر کشیده شده است؟ جوزانی در ادامهٔ فیلمسازی‌اش و به‌خصوص فیلم «در مسیر تندباد» مساله استعمار، حضور نیروهای بیگانه در جنگ جهانی، مبارزه ایلات قشقایی با انگلیسی‌ها و حتی مساله کشف حجاب را به تصویر کشیده است. جایی در همین فیلم، شهلا ریاحی با چادر توی کالسکه نشسته و آثانی را مقابل خود می‌بیند و با هول و ولا چادر را کنار و کلاهی روی سر می‌گذارد. کدام فیلمسازی را سراغ دارید که این کلاه برداری و کلاه‌گذاری تاریخی را حتی در حد همین سکانس در فیلمش نشان دهد؟ خدا بیامرز مرحوم سید ضیاءالدین دری را که «کلاه پهلوی» را ساخت!

دخالت بیگانگان توهم نبوده اما شبه روشنفکران دنبال این هستند که اشغال و دخالت بیگانه را توهم توطئه جلوه دهند. جوزانی توطئه را نشان می‌دهد و یک‌تنه با فیلم‌هایش ایستادگی می‌کند در برابر تز «توهم توطئه». جوزانی ملتی را نشان می‌دهد که منفعل نیست، می‌خواهد در تصمیم‌گیری‌ها و بزنگاه‌های مهم تاریخی فعال باشد نه منفعل! شبه روشنفکران اخته می‌خواهند سینمای اخته را رواج بدهند! سینمای بی بو و خاصیت، دقیقاً نقطه مقابل «جاده‌های سرد»، «شیر سنگی»، «در مسیر تندباد» و «در چشم باد» هم یک امتداد تاریخی را نشان می‌دهد، از نهضت جنگل و تلاش برای برپایی نظامی اسلامی که عدالت را برقرار کند و بعد چکمه‌های رضاخانی که این‌تلاش‌ها را الگه‌کمال می‌کند تا اشغال ایران به دست متفقین. جوزانی این امتداد تاریخی را به فتح خرمشهر می‌ساند. تاریخ اگر سال‌ها برای ما درد داشته، برای عدالت یا ایستادگی مقابل دشمن را داشته و بارها شکست‌خورده اما جایی هم فتح و ظفر به دست می‌آورد. این جاست که جوزانی کات می‌دهد، فتح خرمشهر!

کشف امر اجتماعی

جستاری در باب آثار و سوره‌های مردمی جشنواره فیلم عمار



درس دارم، متألمم، کارخانه، اداره، مسئولیت‌م در شهر سنگین است و... اجازه نمی‌دهد و همه اینها بهانه‌ای بیش نیست». بعد از این بود که علی جمال‌پور همه چیز را بهانه می‌فهمید، بهانه را کنار گذاشت و رفت. حاج اسماعیل فرجوانی کربلای چهار شهید شده بود و علی جمال‌پور در اولین فرصت، یک کربلا بعدتر خودش را به او رساند.

پس از قصه شهید جمال‌پور، اسماعیل فرجوانی برای مسئله شد. یادم نیست که تا قبل از این ماجرا حتی تصویری از او دیده باشم. حالا اما حاج اسماعیل فرجوانی برایم یک جور قهرمان شده بود. حاج اسماعیل با آن چهره‌ی کاریزمایش، با آن قلبی که لایذ فروزان‌تر از قلب دانکو است که جمال‌پور را این چنین از قَم به هور، از فلسفه و استدلال به جنگ و گلوله کشانده است. اسماعیل فرجوانی با وصیت‌نامه‌ای که در آن با «تامی کسانی که بر علیه ظلم شورشیدند» سخن می‌گوید؛ با تمام

او دوربینش را به جبهه نبرده اما جنگ را در خانه نشان می‌دهد. خانه‌ای که استعاره از ایران است. فیلمی که از جنگ حرف می‌زند، اما در ستایش امید است و مبارزه.

جوزانی توطئه را نشان می‌دهد و یک‌تنه با فیلم‌هایش ایستادگی می‌کند در برابر تز «توهم توطئه». جوزانی ملتی را نشان می‌دهد که منفعل نیست، می‌خواهد در تصمیم‌گیری‌ها و بزنگاه‌های مهم تاریخی فعال باشد نه منفعل!

یادداشت

بانو البته یک اثر خوب بود. هم از نظر محتوایی و هم از نظر سناریو و روایت. با این حال می‌خواهم بگویم بانو یک نمونه خوب بود اما بانو در جشنواره عمار یک ژانر است.

عمار به من می‌گوید در محله‌ای که سال‌ها زندگی کردی، بانویی بوده که بارها او را ملاقات کرده‌ای بی آنکه درباره قهرمانی او در زندگی چیزی بدانی. جشنواره عمار، فناوری‌ای دارد که می‌تواند با آن فناوری قهرمان‌هایی را کشف کند که امثال من نتوانستیم در دو دهه تجربه‌زیسته و مرادانم آن را بفهمم و کشف کنیم. درک ما از عصمت احمدیان در حاشیه قهرمانی و مرگ فرزندش بود اما بانو و ملت قهرمان به عنوان یک گونه از آثار، ابزار لازم برای این کشف این امر را در اختیار قرار می‌دهد.

در واقع در شخصیت خانم عصمت احمدیان، تکه مادر دو شهید بودنش مربوط به امر انقلابی است و زندگی‌اش که موضوع مستند بانو و کتاب مادر ایران است تکه امر اجتماعی. هنر بانو و جشنواره عمار این هست که امر اجتماعی را در ادامه و اتصال با امر انقلابی، کشف و طرح می‌کنند. بزرگی انسان‌های انقلاب، بزرگی و قهرمانی فرجوانی‌های شهید باعث نمی‌شوند که مستندساز عمار در امر انقلابی، در جنگ و در مبارزه متوقف شود. بلکه امر انقلابی او را دلالت می‌دهد و منتقل می‌کند به سطح دیگری که در آن «زندگی»، «زن»، «مادر»، «تولید»، «اقتصاد»، «معیشت»، «روستا»، «شهر»، «امید» و «جامعه» وجود دارد. کتاب «تولد یک جنبش‌واره» دقیقاً روی همین نقطه دست می‌گذارد؛ با به همین دلیل، روی جشنواره عمار دست می‌گذارد. در واقع این کتاب بر همین نقطه انتقال، انتقال از امر انقلابی به امر اجتماعی حاشیه می‌زند. توجه عمار به امر اجتماعی، بریده از امر انقلابی و علیه آن نیست. در این انتقال، زندگی در برابر دگرگونی نیست؛ آن‌چنان که ارتجاع می‌خواهد. خاستگاه عمار در نیل به امر اجتماعی و در پرداختن به امر اجتماعی، امر انقلابی است و این خیلی مهم است. کشف امر اجتماعی، به ما امکان‌های مهمی می‌دهد برای ساخت امر اجتماعی.

به‌اضافهٔ مردم

این کتاب به ده اصل اساسی لازم برای انجام دادن کار فرهنگی پرداخته است. در این نوشتار، نویسنده به استناد تجربیات ارزنده تاریخ انقلاب اسلامی، تلاش کرده است برخی اصول و قواعد کار فرهنگی را مرور کند. او قواعد را در قالب «ده اصل» آورده است. این اصول ده گانه، اگرچه از هم جدا هستند، اما عملاً در دل هم قرار دارند. در واقع ما با یک منظومه نظری و عملی مواجه هستیم. هر اصل به طریقی به اصل دیگر مرتبط است. در هر فصل، مثال‌هایی هم که از خاطرات و تجربه‌های عینی افراد گرفته شده، جهت کاربردی شدن این قواعد آورده شده است. همچنین در بخش ضمیمه کتاب، ضمن آسیب‌شناسی نحوه اجرا و برگزاری یک برنامه فرهنگی، شیوهٔ رویارویی با مسائل و چالش‌های موجود در فرآیندهای فکری و اجرایی برنامه‌های فرهنگی به عنوان تمرین درنظر گرفته شده است.

نویسنده: روح‌الله رشیدی

انتشارات: راه‌یار



سینما در دل مردم

گفت و گو با حمید صالحی، دبیر اجرایی دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار



« مسیر حرکت جشنواره عمار را برای ما شرح می‌دهید؟

بعد از فتنه ۸۸ بود که در اولین سالگرد حماسه ۹دی، فضایی در میان اهالی هنر و رسانه شکل گرفت که نگاهشان به مقوله فتنه، رسانه‌ای بود، نه امنیتی و فتنه ۸۸ را حاصل کم‌کاری‌های رسانه‌ای و فضای هنری کشور می‌دانستند. در اولین سالگرد ۹دی یعنی در دی‌ماه ۱۳۸۹ تقریباً ۱۹ مستند درباره فتنه ۸۸ ساخته شد که جایی برای عرضه آن‌ها نبود؛ نه سینماها در این فضا بودند نه صداوسیما. با وجود این هنرمندانی که با هدف روشنگری فعالیت داشتند، جایی برای به نمایش درآوردن مسائلی که در آثارشان روایت کرده بودند، نداشتند. در این خلا بود که یکسری فعال فرهنگی و افراد رسانه‌ای دور هم جمع شدند و با استفاده از ظرفیت مردمی امکان پخش آثار مرتبط با فتنه را از طریق ظرفیت‌های

اصالت مردمی

جواد اردکانی داور بخش مدافعان حرم و نهضت‌جهانی‌مستضعفین



فقط دو و مدیریت آثار بهتر شود.

در بخش نهضت جهانی اشکالی ساختاری وجود دارد. باید بین مراکز تولید و پشتیبانی فیلم‌همانگی ایجاد شود. مثلاً وزارت خارجه یا سازمان فرهنگی ارتباطات، رفت‌وآمدها را تسهیل و حمایت کنند و کار فقط به یک هنرمند یا یک بخش واگذار نشود؛ چون هم هزینه لازم دارد و هم مقدماتش باید فراهم شود. اسم این بخش نهضت جهانی مستضعفین است؛ ولی آثار امسال این تیتراژ نداشت. عمار اصل‌ترین جشنواره سینمایی ایران است و باید جنبه مردمی و اصلتش را حفظ کند. اگران مردمی امتیاز ویژه عمار است. بعد از دوازده دوره، باید تعداد بیشتری فیلم‌ساز تربیت می‌کردیم. باید روی تربیت نیرو و مدیر، بیشتر کار شود. این جشنواره تا الان بسیار عالی بوده است و به اعتقاد من جزء دستاوردهای درجه یک فرهنگی انقلاب اسلامی است؛ ولی باید از آن مراقبت کرد.



برندگان هر بخش در اختتامیه این جشنواره که امروز برگزار می‌شود معرفی و تقدیر می‌شوند.

« بخش مسابقه «مستند»

مستند – «تاریخ فرهنگی، اجتماعی و دفاع مقدس»
کد ۰۲۴ (عبدالرضا رحمانی نسب)
زنان جبهه شمالی (محمد مجیدپور)
آورتین (حسن وزیرزاده)
شهرک دارخوین (سیدمجتبی خیام الحسینی)
وتن (مصطفی امامی)
بر فراز چارزبر (سمیه ذاکری خلیفر)

« مستند – «جنگ اقتصادی» و «روایای ایرانی»
اکس نهپیل، یک تراژدی اقتصادی (محمدرضا نیرومند)

تحریریه: زهره طاهری-نرگس اسکندری-فرانک صف آر- مریم مرادی-سارا همتیان- مهرزاد قوی فکر -محمدعلی بخشی پور- مریم خسرجی صفحه آرایی:علی سواری

گفت و گو

به حوزه تکمیل چرخه تولید، توزیع و مصرف ورود پیدا کرد و توانست در دوازدهمین دوره جشنواره به این هدف برسد و چرخه تولید، توزیع و مصرف را تثبیت کند. امسال ۲۳۰۰ اثر در بخش‌های مختلف داستانی، مستند، پویانمایی، نماهنگ و... به جشنواره رسید که حدود ۳۰۰ اثر به جشنواره راه پیدا کرد و در آیین افتتاحیه از پخش‌های پویانمایی، نماهنگ، برنامه تلویزیونی، فیلم ما و فیلم‌نامه تقدیر شد. در این مراسم از مرحوم محمدسرور رجایی که نویسنده و شاعر افغان بودند، پاسداشت شد و بناسنت در آیین اختتامیه آثار برگزیدگان بخش مستند داستانی معرفی شوند و از مسعود جعفری جوزانی، خالق آثاری چون «شیر سنگی» و «سریال در چشم باد» تجلیل شود. همچنین جشنواره امکان مشاهده آثار رایافته به بخش مسابقه را در سایت «عمارپار»، به‌صورت آنلاین فراهم کرده است.

دبیرخانه امسال در دوازدهمین دوره، نخستین فراخوان جشنواره علوم انسانی را منتشر کرد که در چند صرفصل تقسیم‌بندی شده است و در اسفندماه ۱۴۰۰ در قالب جشنواره‌ای مستقل برگزار می‌شود. جشنواره علوم انسانی به‌عنوان جشنواره انضمامی به جشنواره فیلم عمار است که از فیلم‌ها می‌توانیم در حوزه‌های انسان انقلاب اسلامی، جامعه انقلاب اسلامی، جهان انقلاب اسلامی و آینده انقلاب اسلامی مباحث نظری استخراج کنیم.

« فکر می‌کنید با توجه به مسائلی که در جامعه وجود دارد، باید فعالیت در چه زمینه‌ای بیشتر باشد؟

با وجود اینکه فیلمسازان عمار در سراسر کشور حضور دارند، با پیگیری مشکلاتی که در آن مناطق وجود دارد، این مسائل را روایت می‌کنند یعنی فیلمساز عمار فقط روایت مطلق ندارد. در نقد درون‌گفتگمانی اگر فیلم‌ها پیگیری نشوند و جامعیت نداشته باشند، در جشنواره پذیرفته نمی‌شوند که این اتفاق، جریان مثبتی است. جشنواره عمار سعی کرده تا امروز به مسائل واقعی مردم نگاه کند و در این راستا راه‌حل پیشنهاد دهد.

داوران

عدالت‌بین المللی

محمد تقی یازلو؛ داور بخش نماهنگ



امسال تفاوت‌های خیلی اساسی در آثار بخش نماهنگ بود که قضاوت را سخت‌تر کرد.

خلاقیت و نوآوری‌ها بیشتر شده و موضوعات هم جسورانه انتخاب شده بودند. مثلاً موضوع شهید چمران یا موضوعات سیاسی و اجتماعی روز.

دوره‌های قبل این مسئله وجود نداشت.

من هرسال به دو نکته خیلی مهم اشاره می‌کنم؛ یکی این‌که جشنواره عمار که انقدر موفق و فراگیر بوده است، می‌تواند در خارج از کشور هم اجرا شود. نیازی نیست حتما فیلم خارجی با فرهنگ آن‌ها بسازیم. مثلاً اگر در مورد حاج‌قاسم سلیمانی یا شهیدی مستند یا کلیپ و داستان ساختیم، با همین مدلی که در ایران ارائه می‌شود در کشورهای خارجی هم نشان دهیم. آنجا هم مسجد هست، هم کتابخانه و هم کافی نت یا کافی‌شاپ. این فراگیری در بُعد بین المللی عمار را قوی‌تر می‌کند.

نکته دوم درمورد خود جشنواره است. آثار به لحاظ تولیدی یا بودجه‌های متفاوتی تولید می‌شود و این قضاوت را خیلی سخت‌تر می‌کند. کسی که با کم‌ترین امکانات فیلم یا کلیپ می‌سازد فرق دارد با کسی که بودجه‌های خیلی خوبی دارد. باید تعریف جدید و مجزایی ایجاد کنیم تا قضاوت‌مان به عدالت نزدیک‌تر شود.



مانندعقاب

محمدرضا رمضانی داور بخش ملت قهرمان



امسال به‌دلیل موقعیت کشور، نوع موضوعات و سژه‌ها خوب بود؛ ولی درست به آن‌ها پرداخته نشده بود و پژوهش و تحقیقات باید بهتر می‌شد. جای بعضی از موضوعات در عمار خالی است؛ حتی در بخش ملت‌قهرمان. بعضی

موضوعات و سژه‌ها به خط‌شکنی و جسارت نیاز دارد و بعد

از آن، پشتیبانی قوی. در کل، جشنواره خوبی بود و امیدوارم هر روز تقویت شود.

یکی از نقش‌های جشنواره و رسانه، مطالبه‌گری است؛ نباید اجازه دهیم بعضی اتفاقات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیفتد. با تولیداتمان جلوی معضلات و مشکلات و کم‌کاری‌ها یا بدکاری‌ها را بگیریم. باید بدانند مانند عقاب بالای سرشان هستیم. این‌ها به اعتبار انقلاب و نظام مربوط است و باید با جسارت وارد شویم. رسانه باید اصل‌احگر باشد؛ جشنواره هم این نقش را دارد. مثلاً نابودی اسرائیل یک بحث قطعی قرآنی است. جشنواره عمار می‌تواند از منظر قرآن و روایات به این موضوع بپردازد. بعد از آن، بحث آخرالزمان است که باید کالبدشکافی شود و جامعه را با آن آشنا کرد. با توجه به بلوغی که عمار پیدا کرده است، باید سمت‌وسوی مناسبی به فیلم‌سازان بدهد و این ظرفیت خوب کشور را هماهنگ کند و جهت دهد.

باتشکر از: حمید صالحی-میلاد جعفر پور-ابوالفضل افضلی- عارف جعفری-مجید مرادقلی-محمومه ملایی- هادی سلامات- منیره زین العابدینی- مرضیه خنافره و رضا صادقیان

معرفی‌کتاب

هفت خان شستن



این کتاب سومین جلد از مجموعه عناوین کتاب مدافعان سلامت از ناشر است. ویروس کرونا پدیده‌ای جهانی و فراگیر است که نظم متعارف زندگی را در بسیاری از نقاط دنیا به هم ریخته است. مردم هر کشوری در مقابله با این بیماری

ناشناخته بازخوردی دادند به فراخور جهان‌بینی و فرهنگ و تجربه‌های تاریخی‌شان. هرقدر در فرهنگ جامعه‌ای همیاری، ایثار، جمع‌گرایی، خداباوری و آرمان‌خواهی ارزش بیشتری داشته باشد، آن جامعه در بحران‌ها و مسئله‌های اجتماعی هم‌گراتر و موفق‌تر عمل می‌کند. به علاوه اینکه تجربه‌های تاریخی موفق نیز به توفیقات جامعه می‌افزاید. مجموعه مدافعان سلامت در جهت معرفی گروهی است که جان بر کف برای مبارزه با این ویروس تلاش کردند. تحقیق: محمدحسین عطیمی، زهراسادات هاشمی تدوین: محمدجواد رحیمی

انتشارات: راه یار

به چند خیاط ماهر نیازمندیم

این کتاب خاطرات بانوان خیاط یزدی از ایام کرونا است که اولین جلد از رده مدافعان سلامت ناشر است. کار زنان یزدی آنقدر بزرگ و اثرگذار بود که رهبر معلم انقلاب اسلامی در سخنرانی نیمه شعبان ۱۳۹۹ از این حرکت خودجوش آنها نام بردند و از مادر شهیدان یزدی که خانه‌هایشان را به خیاط‌خانه تبدیل کرده بودند، به نمایندگی از تمام بانوان خیاط یزدی تقدیر کردند.

یزد؛ شهری که تاکنون ده ها کتاب درباره تاریخش نوشته اند و خوانده ایم، اما کدام یک از ما تا به حال نام مهری محبیان را شنیده‌ایم؟ کدام یک از ما آوازه خیاط‌خانه‌های یزد در دوران دفاع مقدس به گوشش رسیده است؟ خیاط‌خانه‌هایی که با مدیریت یک زن، تعدادشان در مدتی کوتاه از یک به بیست و دو رسید! بیست و دو خیاط خانه فعال که بخش مهمی از لباس رزمندگان سراسر کشور را تامین می‌کرد. از حوالی فروردین ۱۳۹۹، پروژه خیاط‌خانه‌های کرونای یزد آغاز شد. خیاط‌خانه‌های فعال یزد شناسایی شدند و هر روز تیمی دوفره برای مصاحبه به خیاط‌خانه‌ها می‌رفتند. نتیجه این بود که در بازه ای حدوداً یک ماهه، از حدود صد نفر از بانوان خیاط مصاحبه گرفتیم؛ البته این صد نفر مشّت کوچکی از خورار بزرگ خیاطان جهادی کرونای یزد بودند. پس از آن، با گزینش ده نفر از بانوانی که فعالیت جدی‌تر یا خاطرات جذاب‌تری داشتند، فرایند مصاحبه تکمیلی را آغاز و مصاحبه‌ها در بازه‌ای پانزده روزه تدوین شد.

تحقیق:سمانه سنایی
تدوین: ملیحه جهان آرا، زینب کشاورز، اسما مرتضایی راد
انتشارات: راه یار

روضه خانگی(سیدمجتبی طباطبایی)

تقاطع(احمد حیدریان)

کلاس آنلاین(محمدحسین امانی)

مجموعه ای برای ایران(سیدمحمدصالح مسلمی عقیلی)

هم‌دم(علی طادی-مهدی فکریان)

« داستانی کوتاه

اتاق عقد(حسن حبیب زاده)

مرزهای عاشقی- هم قسم(حمید بیات)

نگین سلیمان (محمدامین امامی)

شهیدانه زیستن(امیرحسین نوروزی)

کوچه های خراسان(سجاد انتظاری و امیر شبیری)

بابا(سجاد معارفی)

داستانی بلند

دختر ایران(سید جلال اشکذری)

تروا(محمد عزیزاده فرد)

سوپیر(امین شجاعی)

چند قطره آب‌ان(محمد اسماعیلی و جواد اسماعیلی)

گفتنی است دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، از شنبه ۱۸ دی ماه شروع شده و تا ۲۳ دی ماه، آثار جشنواره در این مراسم، در سینما فلسطین تهران و به صورت مجازی در Ammaryar.ir به نمایش درمی‌آیند. آیین اختتامیه جشنواره عمار نیز ۲۴ دی ماه با تقدیر از برگزیدگان بخش‌های مسابقه مستند و داستانی برگزار می‌شود.

داوران

قصه این است(عبدالعلی دهقانی)

اوس اکبر(روح الله توکلی)

گم‌شاد(اعظم رمضانپور)

« مستند- «نقد درون گفتگمانی»

نان گزیده ها۲(محمدرضا حاج محمدحسینی)

غرب دور شرق نزدیک(عبدالرضا هادی زاده نایینی)

آدرس غلط- ثریا(محمد هادی اینانلو)

بلوار اتحاد(صادق زارع)

« مستند- «نهضت جهانی مستضعفین و مدافعان حرم»

داستان‌های فوتبال: رقصنده با گرگ‌ها(مهدی افضل زاده)

محاصره ۳۶۰ درجه(حامد هادیان)

ژنرال(مهرداد یوسفی)

آقای اصغر اکبر من(احمد عبدالرحیمی)

سلام مهربون(فرشاد یحیایی)

چند قدم آن طرف تر(محمدفرج صالحی)

باغ خاطرات تلخ(مهدی نقویان)

تولدت مبارک با میلا(محمدفرج صالحی)

در نگاه او(فرزاد حقوقی)

بخش «داستانی»

« تیزر فرهنگی

سرباز(محمد پایدار)

صاحب خانه خوب(محمدحسین امانی)

عملیات محله(سیدمهدی حسینی)